

نحوه متحول گردیدن روابط شهروندی و دگرگونی واقعیت‌های اجتماعی آیا وجدان غرب تحت الشعاع غرور سیاسی اش قرار گرفته؟ هنر تعیین و تحقق آرمان‌های قابل دسترسی را باید آموخت

چگونگی نقش ابزاری عده‌ای از شهروندان در درگیری مسلحانه کشور
بحران دموکراسی و بحران ایدئولوژی لیبرال بکجا می‌انجامد؟
ساختارها و مدل‌های ایدئولوژیک جدید مدرنیزاسیون
از توهم زندگی باید اجتناب ورزید

ارتباط از نظر لغوی واژه ایست عربی از باب افتعال که در زبان فارسی بگونه‌ی مصدری بمفهوم پیوند دادن، ربط دادن و بصورت اسم مصدر بمعنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه استعمال بکار می‌رود. ارتباط اجتماعی منشأی فرهنگ است و تعالی بدان مربوط می‌باشد. روابط اجتماعی بمثابة محور فرهنگ و حیات جمع، محدوده‌ی بس وسیعی دارد که دربرگیرنده‌ی تمامی صور روابط انسانی می‌باشد. روابط یادشده انواع مختلفی دارد از جمله: ارتباط مستقیم، ارتباط جهانی، ارتباط احساس پرانگیز، ارتباط معطوف به هدف، ارتباط بازتابی. اما بسیاری از متفکران معاصر، وسایل ارتباطی را به سرد و گرم تقسیم نموده و از هم تفکیک مینمایند. این تقسیم بندی از قابل انتقادترین جهات اندیشه‌ی مک‌لوهان در بحث ارتباطات جمعیت که بنوعی، سورریالیسم مکنون در تفکر او را به منصفه‌ی بروز و ظهور می‌گذارد. بنظر او وسایل ارتباطی سرد شامل آن ابزار و وسایلی است که موجبات مشارکت بیشتر انسانی را فراهم مینماید. سیمیناریا جلسات بحث و گفتگو و وسایل ارتباطی سرد تلقی می‌شوند که در جریان آن فقط یک یا چند نفر اندیشه‌ی خویش را ب دیگران منتقل مینمایند بدون آنکه در صدد پیدای نوعی تبادل فکر برآیند. و اما در مورد واقعیت‌های عینی باید تذکر بعمل آورد که واقعیت عینی یا حقیقت عینی بر اطلاعات جمع‌آوری شده در مکان اشاره دارد. واقعیت عینی اجازه می‌دهد تا داده‌های تصویر با ویژگی‌ها و مواد واقعی موجود در زمین مرتبط باشد. بطور دقیقتر، واقعیت عینی ممکنست بفرآیند مشخصی اشاره داشته باشد. واقعیت عینی معمولن در محل انجام می‌شود. با انجام مشاهدات سطحی و اندازه‌گیری ویژگی‌های سلول‌های با وضوح زمین که روی تصویر دیجیتالی از راه دور بررسی می‌گردد.

در آغاز بحث حاضر، تذکر این مسأله شایان اهمیت پنداشته می‌شود که در امتداد بحران‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ ترسایی، همه شاهد بدتر شدن وضعیت بودیم که در نتیجه، منجر به کسر بودجه فدرال ایالات متحده شده و بحث‌هایی را در مورد افول قریب الوقوع ایالات متحده بمثابة رهبر بلامنازع در صحنه جهانی سبب گردید، بهمین دلیل است که نمی‌توان اهمیت درک شرایطی که ایالات متحده را وارد درگیری‌های مسلحانه طولانی مدت در کشور ما نمود، نا دیده گرفت. تجربیات ایالات متحده و هم پیمانان و متحدینش در انجام تغییر رژیم و متعاقب آن، "دولت سازی" در کشور ما در امتداد سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۱۰ ترسایی و موفقیت‌ها و شکست‌های استراتژی ایجاد نهادهای دموکراتیک در جوامع سنتی اسلامی بر بنیاد تئوری‌های متضاد ضد شورش و ملت سازی بویژه در کشور عزیز ما شایان توجه و درخور اهمیت پنداشته می‌شود. اندکی بعقب برگشته و در مورد اوضاع در کشور ما بایست یادآور شده و خاطر نشان گردد که در شرایط و وضعیتی که جنگسالاران شورشی که خود را در امر مبارزه با حضور نظامیان شوروی در کشور بمثابة قهرمانان معرکه دانسته و سرمست پیروزی بودند، هرج و مرج و خودسری‌هایی سراپای جامعه ما را فرا گرفته بود. فرماندهان یادشده با سرنگونی دولت برهبری دکتور نجیب‌الله در سال ۱۳۷۲ خورشیدی با هم درگیر شده و در قبال یکدیگرشان چنگ و دندان نشان دادند. در وضعیت اینچنینی، در امتداد سال یادشده، "طالبان"ها بمثابة جنبش و حرکتی با بعرضه وجود نهاده و عناصر اصلی برنامه خویش را برقراری نظم و اعاده امنیت در جامعه اعلام نمودند که بگونه

ای مورد استقبال شهروندان کشور قرار گرفت. اما عادی سازی وضعیت با مسایل و موارد موجود در کشور، بمفهوم وسیع کلمه، رنگ قومی - سیاسی بخود اختیار نمود. متذکر باید گردید که در جمع فرماندهان محلی، تعداد بیشماری از آنها را شهروندان متعلق به ملیت های تاجیک ها، ازبک ها و هزاره ها تشکیل می دادند. بر این بنیاد، نگرشی شکل گرفت که بر بنیاد آن، گروهی بمتابۀ جمع "دولت ساز" عرض وجود نمودند که باید مأموریت برقراری نظم و اعاده امنیت سراسری درکشور را برعهده گیرند. وضعیت اینچنینی سبب گردید تا درجمع یاد شده، عده ای درمخالفت با چنین نقش و موقفی موضعگیری نمایند. اما بخاطر باید داشت که "طالب" ها بگونه مشخصی متشکل از افراد مذهبی و محافظه کار بودند، بنابراین، اصلی ترین و عمده ترین مسأله و موضوع قابل بحث برای آنها بازگشت باسلام سنتی نبود، بلکه ایجاد نظم و اعاده ثبات درکشور را بمتابۀ اهداف عمومی خویش اعلام نمودند که درآن مسایل عمومی و شخصی توسط متکلمان و آخوندها تنظیم می گردید. دوره نخست حاکمیت "طالب" ها درکشور که دربرگیرنده سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۹ خورشیدی بود، بگونه منفی در حافظه تاریخ ثبت گردید. درامتداد این دوره، نظم های سنتی که با هنجارهای مدرنیته بشدت در تضاد و تقابل قرارداشتند، در کشور عرض وجود نموده، بانوان کشور در موقعیت های وابسته به مردان قرارداد شده، آنها مانند آنچه امروز در کشور می گذرد، از کار در اجتماع و حضور درانظار عامه بدون برقع و بدون همراه مرد منع شده، دختران از حق تحصیل درمدارس بالاتراز صنف ششم و پوهنتون ها محروم گردیدند، موسیقی، تلویزیون، بازی ها و ورزش ممنوع اعلام گردید، اقلیت های ملی تحت انواع ستم ها قرارگرفتند. در صورت نقض ممنوعیت ها، مجازات های ظالمانه ای در نظر گرفته شده بود، از جمله اعدام درملای عام، بریدن دست و پا و... بامر عادی مبدل شده بود. علاوه برآن، "طالب" ها در نظر داشتند تا برنامه های توسعه طلبانه ای را نیز در عمل پیاده نمایند.

بگزارش خبرنگاران، در دفتر ملا عمر رهبر معنوی "طالب" ها نقشه ای وجود داشت که مرزهای "امارت اسلامی افغان نستان" تا سرزمین و اراضی متعلق به فراسیون روسیه امتداد داده شده بود. "طالب" ها به جنگجویان تروریست چیچن کمک و معاونت نموده و همچنان به بسیاری از حامیان "القاعده" برهبری اسامه بن لادن پناه دادند. آنها در امتداد سال ۱۳۷۴ خورشیدی پس از حمله نظامیان پنتاگون بکشور ما، در امتداد زمانی ۲۰ سال به شورش پرداختند. در ماه قوس سال ۱۴۰۲ خورشیدی، "طالب" ها نبرد شان را بمتابۀ "جنگ آزادیبخش ملی" عنوان کردند. آنها دشمن اصلی شان را نه نظامیان افغان، بلکه نظامیان خارجی می پنداشتند که بسرزمین افغان ها تجاوز نموده و با شغال اراضی آن مبادرت ورزیده بودند. بتدریج به چنین درکی از جنگ و درگیری های مسلحانه درکشور، از جانب تعداد فزاینده از شهروندان کشور نیز صحنه گذاشته شد. بر این بنیاد، پایگاه اجتماعی "طالب" ها بگونه قابل توجهی گسترش یافت. عده ای از کارشناسان چنین می پندارند که عملکرد "طالب" ها بگونه کلی، بر بنیاد پیروی از اندیشه های دیوبندی قرار داشته و اما عده ای هم در صفوف آنها موجودند که بدیدگاه های وهابی و برخی دیگر هم بعقاید اخوان المسلمین وفادارند. برخی از آنها خویش را بمتابۀ بخشی از یک جنبش ملی پنداشته، برخی دیگر بمتابۀ جنگجویان جهادی وارد کارزار شده و شماری از آنها هم خویش را درآئینه ملی گرایان پبنتون مشاهده می نمایند. تفاوت و تمایز دیدگاه نسل قدیمی و نسل جوان و همچنان تعهدات متضاد و موضعگیری های متفاوت درقبال بازیگران خارجی عملن وجود دارد. عده ای از آنها به کمک های پاکستان، برخی دیگر بموارد اهدا شده توسط کشورهای قزوقیا عربستان متکی بودند.

اما تأکید بعمل می آید تفاوت ها و تمایزات منحصر بفردی میان دوساختار تأثیرگذار یعنی شورای کویته و شورای پشا ورموجود می باشد. یاددهانی این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که اولی مسؤل نبرد در جنوب، غرب و شما لغرب و دومی هم سکاندار درگیری های مسلحانه در شرق و شمال کشور بودند. همچنان، ظاهرن شگاف هایی درامتداد اد خط قبیلوی، یعنی رقابت سنتی پبنتون های درانی و غلجایی ها موجود می باشد. جناح حقانی، به نمایندگی از شو رای پشاور، بخش هایی از ادارات امنیتی، بویژه وزارت امور داخله کشور را در اختیار دارد. جناح یادشده، بیشتر و

قبل از همه به رزمندگان جهادی و بآن عده افرادی که دارای افکار وهابی می باشند، نزدیک بوده و شباهت هایی بهم می رسانند. شرکای اصلی و عمده خارجی آنها کشورهای عربستان و پاکستان محسوب می گردند. جناح حقانی روابط گسترده ای با "القاعده" دارد. جناح یادشده در قبال مسایل داخلی و خارجی باتخاذ سخت ترین مواضع متوسل گردیده و در مجموع ارکان قدرت کنونی در کشور، از نمایندگی قوی برخوردار بوده و به مناطق و محلات خاص کشور توجه ویژه ای دارد. حقانی اصرار میورزید که به نامبرده باید بگونه ویژه ای صلاحیت تعیین والی های پنج ولایت شرقی کشور داده شود. همچنان نامبرده علاقه بیشتری بولایت بدخشان در شمالشرق کشور دارد. جناح یعقوب، بمثابة بخش دیگری از بلاک قدرت، یعنی وزارت دفاع کشور را در اختیار داشته و شریک اصلی آن پاکستان پنداشته می شود.

همچنان ملأبرادر باعضای شورای کویته متکی میباشد. نامبرده در امتداد سال های پسین بمثابة مذاکره کننده اصلی و از جمله امضا کننده های توافقنامه سال ۱۳۹۸ خورشیدی با امریکایی ها بود. او را در جمع رهبران "طالب" ها از جمله میانه روترین ها بشمار می آورند که قبل از همه بدنبال همکاری با جامعه جهانی می باشد. با اینحال، اصل بتعویق افکندن عادی سازی مناسبات با جهان خارج، سبب تضعیف موقف برادر در داخل دولت نیز می گردد. نامبرده با وجود آنکه در پیروزی نبردهای مسلحانه "طالب" ها نقش داشت، اما "قهرمان" جنگ پنداشته نمی شود. برخی ها هم باین باورند که موجودیت تضاد و ضد و نقیض گویی ها میان گروه های مختلف "طالب" ها افزایش حاصل نموده، حقانی ها با اقدامات و رفتارهای قاطعانه تری مبادرت ورزیده و حتا چنین امکانی از تصور بعید پنداشته نمی شود که گروه های تروریستی بین المللی مستقر در افغانستان وارد معامله هایی گردیده و فشار وارد نمایند تا میانه روها از قدرت کنار زده شوند.

با وجود اینهمه، در حال حاضر این باور بیش از هر موقع دیگر قوت می گیرد که "طالب" ها قبلن مهارت های تعامل را در مواجه شدن با معضلات مداوم توسعه داده و هیچکدام از جناح ها با وجود آنکه مبارزه بمنظور تصاحب قدرت و دستیابی به منابع همچنان ادامه دارد، اما علیرغم اختلاف نظرها و اظهارات متناقص و مکرر، آنها علیه یکدیگر بانجام اقدامات قاطعانه تری متوسل نخواهند گردید. "طالب" ها توانستند دولت تشکیل داده، کار ارگان های دولتی را از سر گرفته و مواضع خود را در تعدادی از موارد و بخش های مورد نظر توسعه داده و استحکام بخشند.

با وجود اینهمه، برخی ها چنین می پندارند که تضادها میان گروه های "طالب" ها افزایش خواهد یافت و بخش های رادیکال که در گام نخست، حقانی ها شمرده می شوند، به رفتارها و اقدامات قاطعانه تری متوسل خواهند گردید. از یاد ما نرود که "طالب" ها مخالفت شان را علیه مقاومت مسلحانه در قبال حاکمیت شان اعلام نموده اند. زمانی که در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ خورشیدی، سلول های مقاومت در ولایت پنجشیر در حال شکل گیری بود، بر بنیاد برخی تخمین ها، اقدامات اینچینی، نه به هدف سرنگونی حاکمیت کنونی در کشور، بلکه بمنظور تحت فشار قرار دادن "طالب" ها بمنظور جابجایی و بکارگماشتن مهره های مورد نظر آنها در تشکیلات حاکم در کشور بود، اما "طالب" ها با آنها وارد مذاکره نشده، بلکه با لحن تهدید آمیزی صحبت نموده و در نهایت امر، بر علیه آنها نبردهای بی امانی را براه انداختند. اقدامات اینچینی، در نوع خود، بمثابة زیگنال و هشدار روشنی برای سایر مخالفان پنداشته شد.

در مورد سیر تحول و مواضع کنونی "طالب" ها در افغانستان پسا امریکا بایست متذکر گردید که خاطرات و یادمانده های تاریخی در مورد احساس منفی در قبال "طالب" ها، در مجموع با احساس خستگی و درماندگی جامعه جهانی با برنامه ایجاد افغانستان جدید و مدرن در تقابل قرار گرفت. در نتیجه، پس از نایل گردیدن مجدد "طالب" ها ب قدرت در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، امیدها و هراس ها در رسانه های جهانی و بحث های کارشناسانه باهم آمیخته شد.

برخی ها چنین پنداشته و باین باور بودند که "طالب" ها تغییر نموده و بگونه مجموعی دستخوش تحولاتی گردیده و بیش از این، از اشتباهات قبلی اجتناب ورزیده و به تکرار عملکردهای قبلی شان مبادرت نخواهند ورزید. عده دیگر چنین پنداشته و متذکر می گردند که اگر نگوییم بدتر، همان هستند که بودند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که

در امتداد پنج ماه نخست قدرت دوباره، "طالب"ها در امر تحقق آرزومندی ها و امیدهای برحق شهروندان کشور کوتاه آمده و قادر نگردیدند تا زمینه های هراس آنها را مرفوع نمایند.

یکشنبه ۱۹ ماه قوس سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۰ ماه دسامبر سال ۲۰۲۳ ترسایی